

زنانه شدن فقر - علت‌ها و پیامدها

ازدواج‌های موسوم به «کودک‌همسری» در ایران

کامیل احمدی

پژوهشگر و مردم‌شناس، تخصص روش تحقیق و ارشد مردم‌شناسی، دانشگاه کنت - انگلستان

kameel.ahmady@gmail.com

چکیده

بسیاری از محققان، ضمن بررسی کشورهای مختلف، دریافتند که به طور کلی، فقر در میان جمعیت زنان، بیش از مردان رایج است (فیندلی و رایت، ۱۹۹۶). همچنین، ما با در نظر گرفتن کشور ایران به عنوان یک نمونه موردی که تا حد زیادی درگیر پدیده کودک‌همسری است، و همچنین ضمن تلفیق یافته‌های اولیه و سازگار حاصل از یک مجموعه تحقیقات انجام شده و جامع، برای بالا بردن دانش افراد پیرامون علل اساسی کودک‌همسری تلاش کرده‌ایم. این مقاله ضمن تجزیه و تحلیل عوامل و پیامدهای زمینه‌ای مختلف کودک‌همسری، به تعریف مسأله کودک‌همسری پرداخته و علناً کودک‌همسری را مانعی برای توانمندسازی زنان در ایران می‌نامد. در این مقاله مشخص شد که فقر با شیوع کودک‌همسری در ایران ارتباط تنگاتنگی دارد. ظهور یا وجود کودک‌همسری در ایران، روایتی پیچیده و رو به رشد است که برای تشخیص و مبارزه با این اقدام موزیانه و عمیق، باید تحقیقات بیشتری در این زمینه انجام شود. این مقاله به موضوع شیوع کودک‌همسری در ایران پرداخته و اطلاعات آماری یکسانی پیرامون میزان کودک‌همسری، کودک‌همسری در سنین زیر ۱۸ سال و میزان طلاق زیر ۱۸ سال ارائه می‌دهد. در ادامه، این مقاله فقر را دلیل اصلی کودک‌همسری و پیامد اصلی آن معرفی می‌کند و همچنین توصیه‌هایی برای کاهش این پدیده به خوانندگان ارائه می‌دهد.

واژگان کلیدی: کودک‌همسری، ایران، فرهنگ، اسلام، فقر، زنانگی

مقدمه

یکی از عوامل اصلی و مسبب کودک‌همسری در کشورها و مناطقی که به شدت درگیر این مسأله‌اند، «فقر» است. توجه به جنبه‌های اقتصادی کودک‌همسری، به ویژه در کشورها یا مناطقی که دختران اغلب به عنوان باری بردوش خانواده‌های کم درآمد به شمار می‌روند، از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است. در این حالت، منابع مالی اندک خانواده و تضمین نحوه مقابله با فقر، از جمله نگرانی‌های اصلی دختران جوان به شمار می‌رود، و اغلب این خانواده‌ها با اتخاذ راهکاری برای بقای خانواده، دختران خود را به ازدواج مردان بسیار بزرگتر از دختران خود و یا حتی افراد مسن در می‌آورند. از نظر بسیاری از کارشناسان، کودک‌همسری (ECM^۱) بر زندگی کودکان خردسال تأثیر منفی دارد و زندگی آنها را پیچیده می‌سازد، و همچنین برای سلامتی آنها پیامدهای مضری به همراه داشته و بر رشد آینده آنها در هر سطحی تأثیرگذار است. در برخی از کشورهای در حال توسعه، کودک‌همسری یک ابزار اقتصادی به شمار می‌آید که با کمک آن، وضعیت اقتصادی خانواده‌ی دختر تا حدی بهبود می‌یابد. کودک‌همسری می‌تواند روابط بین خانواده‌ها را تقویت کرده و باکره بودن دختر قبل از ازدواج را تضمین کند. همچنین، این نوع ازدواج می‌تواند میل جنسی دختران را تحت کنترل قرار داده و از احتمال گذشتن سن ازدواج دختران و رسیدن آنها به سنی که مطلوب همسران یا خانواده آنها نیست، جلوگیری کند (آلمو، ۲۰۰۸).

از جمله علتهای اصلی مرگ دختران ۱۵ تا ۱۹ ساله، عوارض مربوط به بارداری و زایمان در سنین پائین است (لوآیزا و وانگ، ۲۰۱۲). پیامدهای بهداشتی که دختران را مستعد ابتلا به عفونت‌های مقاربتی از جمله HIV می‌سازد نیز می‌تواند به همان اندازه مخرب باشد. از دیدگاه اجتماعی، این نوع ازدواج پایان وحشیانه‌ای برای ادامه تحصیل و استقلال دختران، و همچنین به معنای به حداقل رساندن انتخاب‌ها در زندگی آنهاست. در مواردی از این دختران فقط به عنوان کالاهای تجاری نام برده می‌شود. بی تردید سرمایه گذاری روی دختران، توسعه دارایی‌های اجتماعی و اقتصادی آنها و کسب اطمینان از دسترسی دختران به خدمات آموزشی و بهداشتی، نشانه‌ای زنده از برابری جنسیتی است که جامعه موردنظر را به جامعه‌ای قوی‌تر و اقتصادی پر جنب و جوش تبدیل خواهد کرد. کلید اصلی مبارزه با کودک‌همسری، «آموزش» است (یونیسف، ۲۰۰۴). زنانی تحصیل کرده در مقایسه با زنان بدون تحصیلات، اغلب افرادی سالم‌ترند، و بیشتر در بازارهای رسمی کار حضور دارند، درآمد بیشتری کسب می‌کنند، فرزندان کمتری به دنیا می‌آورند و همچنین مراقبت‌های بهداشتی و آموزشی بهتری به فرزندان خود ارائه می‌دهند (یونیسف، ۲۰۰۱). اگرچه امروزه به دنبال رشد مراقبت‌ها و حمایت‌های جهانی، به طور کلی سطح کودک‌همسری در جهان رو به کاهش است، اما هنوز هم بخش قابل توجهی از کودکان خردسال زیر سن قانونی ازدواج می‌کنند و یکی از نمونه‌های بارز این کشورها، کشور ایران است.

تحلیل وضعیت و زمینه استراتژیک کشور ایران

به دلیل ساختار مذهبی ایرانی، بلوغ و عادت ماهانه دو نقطه عطف مهم در ورود دختران از دوران کودکی به بزرگسالی در نظر گرفته می‌شوند. رسیدن به این آستانه بیولوژیکی، به معنای واجد شرایط بودن و آمادگی برای ازدواج، صرف نظر از سن دختران، است. اگرچه کودک‌همسری هم در پسران و هم در دختران وجود دارد، اما واقعیت تلخ این است که تأثیر منفی این نوع ازدواج بر دختران جوان بیشتر است. این نوع ازدواج یک مسئله جهانی است، اما میزان آن، هم در داخل کشورها و هم در بین کشورهای مختلف بسیار متفاوت است. با این وجود، از نظر نسبت و تعداد، کودک‌همسری بیشتر در مناطق روستایی جنوب صحرای آفریقا و آسیای جنوبی رایج است (یونیسف ۲۰۰۱).

اگرچه اطلاعات کمی در مورد کودک‌همسری در ایران وجود دارد، و مطالعات معتبر و مستقل چندانی درباره این موضوع در دسترس نیست، اما آمارهای رسمی دولت ایران نشان می‌دهد که در این کشور سالانه ده‌ها هزار دختر و پسر زیر ۱۵ سال تحت

¹ Early Child Marriage

نظارت خانواده‌های خود ازدواج می‌کنند. این حالی است که آمار و ارقام حقیقی ممکن است بسیار بیشتر از این ارقام باشد. برخی از خانواده‌ها در ایران، ازدواج‌های زیر سن قانونی را ثبت نکرده و یا این کار را به صورت غیرقانونی انجام می‌دهند. بر اساس گزارش انجمن حقوق کودکان ایران، تعداد دخترانی که زیر سن ۱۵ سال ازدواج کرده‌اند، از ۳۳،۳۸۳ نفر در سال ۲۰۰۶، به ۴۳،۴۵۹ نفر در سال ۲۰۰۹ رسیده است که حدود ۳۰ درصد رشد در طول سه سال را نشان می‌دهد. این افزایش به دلیل هنجارهای فرهنگی و آداب و رسوم محلی، عمیق‌تر شدن فقر و تمایل والدین به کنترل مسائل مربوط به جنسیت دخترشان اتفاق افتاده است.

بر اساس گزارش گزارشگر ویژه در مورد وضعیت حقوق بشر در جمهوری اسلامی ایران، سن قانونی ازدواج دختران در ایران ۱۳ سال است، اما در ایران دختران ۹ ساله نیز می‌توانند با کسب اجازه دادگاه ازدواج کنند. در سال ۲۰۱۳، شورای اتحادیه اروپا برای غیرقانونی اعلام کردن ازدواج سرپرست یا قیم با دختر خوانده‌ی خود تلاش‌های زیادی کرد. در حال حاضر، متن اصلاح شده قانون مربوطه در ایران، مشروعیت چنین ازدواجی را به رسمیت می‌شناسد، به شرطی که دادگاه صالح نیز آن را به نفع کودک بداند. در سال ۲۰۱۱ حداقل ۴۸،۵۸۰ دختر در سنین بین ۱۰ تا ۱۴ سال ازدواج کردند و ۴۸،۵۶۷ نفر از آنها قبل از رسیدن به ۱۵ سالگی، حداقل صاحب یک فرزند شدند. همچنین بین ماه مارس ۲۰۱۲ تا مارس ۲۰۱۳، حدود ۴۰۶۳۵ ازدواج دختران کمتر از ۱۵ سال به ثبت رسیده است که از این تعداد، در بیش از ۸۰۰۰ ازدواج، مردان حداقل ۱۰ سال بزرگتر از زنان خود بوده‌اند. علاوه بر این، در سال ۲۰۱۲، حداقل ۱۵۳۷ ازدواج دختران زیر ۱۰ سال ثبت شده است که در مقایسه با ۷۱۶ مورد ثبت شده بین مارس ۲۰۱۰ و مارس ۲۰۱۱ افزایش قابل توجهی داشته است. تعداد طلاق‌های ثبت شده برای دختران زیر ۱۵ سال نیز از سال ۲۰۱۰ افزایش چشم‌گیری نشان می‌دهد. دولت در پاسخ به موارد فوق اظهار داشت که قانون، ازدواج اجباری را ممنوع کرده است، به این معنی که همه ازدواج‌ها در کشور به صورت توافقی انجام می‌شود.

آمارهای موجود در ایران نشان می‌دهد که تعداد دانش‌آموزان دختر ثبت نام شده در مدارس در پنج سال گذشته کاهش چشمگیری داشته است. در پنج سال گذشته، بسیاری از مدارس دخترانه با کاهش قابل توجهی در تعداد دانش‌آموزان ثبت نام شده مواجه بوده‌اند. علاوه بر این، میزان مرگ و میر دختران متأهل زیر ۱۵ سال، پنج برابر بیشتر از دختران بالای بیست سال است.

تحقیق حاضر برای اولین بار در ایران انجام شده است و هدف آن، تمرکز روی عوامل اجتماعی و فرهنگی مهمی است که این نابرابری ریشه دار و ممتد و پایبندی خانواده‌ها به آن را ریشه یابی کرده، و شیوع کودک‌همسری در ایران را مورد بررسی قرار می‌دهد. دلیل انجام این تحقیق نشان دادن شواهد و رواج این عمل مضر در ایران، و کمک به تصمیم‌گیرندگان امر در تمرکز بیشتر بر حمایت فوری از حقوق انسانی دختران است. احترام به حقوق انسانی دختران، مستلزم این مسئله است که از وقوع کودک‌همسری جلوگیری شود و بطور کلی از بین برود و همچنین دخترانی که پیش از این ازدواج زودهنگام داشته‌اند، مورد حمایت جدی قرار گیرند. این تنها راهی است که به وسیله آن می‌توان از تراژدی انسانی کودک‌همسری جلوگیری کرد. بنابراین، این تحقیق تلاشی است برای نشان دادن مشکل کودک‌همسری در ایران.

تاریخچه تحقیق

مطالعه اخیر درباره شیوع کودک‌همسری در ایران، در ابتدای امر در سال ۲۰۱۳ آغاز شد، یعنی زمانی که کامیل احمدی اولین تحقیق گسترده‌ی خود در زمینه ختنه دختران (FGM)^۱ را در ایران انجام داد (احمدی، ۲۰۱۶). اصولاً در بیشتر مناطقی که کودک‌همسری رایج بود، ختنه دختران نیز انجام می‌شود. بنابراین زمانی که محقق در حال انجام تحقیق روی موضوع ختنه دختران بود، با موضوع کودک‌همسری مواجه شد. در آن زمان جامعه بین‌المللی از وجود ختنه دختران بی اطلاع بود. حتی در

¹ Female Genital Mutilation

ایران، ایرانیان زیادی از موضوع ختنه دختران بی اطلاع بودند. بنابراین در زمان بررسی موضوع ختنه دختران، ضرورت بررسی موضوع پیامدهای کودک‌همسری برای محقق محرز شد.

در ایران، اطلاعات اندکی در این زمینه وجود دارد. تعداد اندکی از افراد، تحقیقاتی در زمینه شناسایی عمق و رواج این مسأله در ایران انجام داده‌اند، اما اطلاعات رسمی چندانی در این باره وجود ندارد. اگرچه این هنجار اجتماعی مبتنی بر جنسیت، در برخی مناطق ایران رایج است، اما هیچگاه هیچ گونه روش تحقیق عمیقی در این زمینه انجام نشده است. این در حالی است که برخی آمارهای توصیفی، تصویری کلی از کودک‌همسری در ایران ارائه داده‌اند، اما بررسی اثرات خالص متغیرهای مورد بررسی، خطر ازدواج دختران در کودکی را مطرح نساخته‌اند. همچنین، موارد پژوهشی اندکی که وجود دارد بسیار سطحی بوده و فقط مختص پایان نامه‌های دانشگاهی، رسانه‌ها، گزارشات مربوط به فعالیت‌های اینترنتی و یا برخی از گزارشات غیرتحلیلی در مورد آمار مربوط به میزان ثبت شده^۱ کودک‌همسری است. در بیشتر موارد، مطالعات مربوط به کودک‌همسری در ایران، از بررسی‌ها در سطح خرد و محلی فراتر نرفته است. آنچه شدیداً در مورد این مسأله ضرورت داشت، انجام یک تحقیق عملی، مسئله محور و موضوع گرا بود که به طور خاص به بحث شیوع کودک‌همسری در ایران بپردازد. با بررسی پیشینه این تحقیق، می‌توان مشاهده کرد که اندک تحقیقات انجام شده که هرازگاهی به موضوع کودک‌همسری در ایران پرداخته‌اند، فاقد یک رویکرد عمیق برای نمایش ریشه‌های اصلی مسئله کودک‌همسری بوده و این تحقیقات اغلب پای خود را از موضوع اصلی فراتر نهاده‌اند.

به منظور تحقق اهداف مربوط به بررسی این موضوع، باید اطلاعات و حقایق و داده‌های آماری بیشتری پیدا، کشف و جمع آوری شده و در دسترس عموم قرار گیرد. از گذشته تا به امروز، کسب اطلاعات دقیق در مورد میزان واقعی کودک‌همسری در ایران امری بسیار دشوار بوده است.

شاید یکی از دلایل آن، عدم ثبت رسمی برخی از این ازدواج‌ها باشد. همچنین بسیاری از والدین اقدام به دستکاری سن فرزندان خود می‌کنند. در مناطق روستایی، این عدم ثبت رسمی به دلیل این واقعیت است که در این مناطق اغلب هیچ گونه گواهی نامه تولدی برای فرزندان ارائه شود و یا اطلاعات مربوطه به درستی ثبت نشده‌اند. این بدان معناست که کودک‌همسری تحت نظارت قانونی هیچ محکمه‌ای قرار ندارد، و بنابراین دختران از مزایای اقدامات مربوطه برای حفظ منافع خود محروم می‌شوند (یونیسف، ۲۰۱۴، ۱). علاوه بر این، عدم ثبت ازدواج، ممکن است باعث شود که شوهر در آینده هیچ حمایت قانونی از زن و فرزندان خود نکند.

هدف تحقیق

همانطور که پیش از این گفته شد، ایران کشوری است که کودک‌همسری در آن به وفور مشاهده می‌شود. برخی از این ازدواج‌ها، برای تسویه یکی بدهی مالی یا بنا به برخی دلایل مادی دیگر صورت می‌گیرد. با این حال، اکثر این ازدواج‌ها اغلب به ثبت نمی‌رسند که این مسأله یک عامل مؤثر در عدم وجود داده‌های مربوطه به میزان کافی، در مورد این موضوع است. به دلیل عدم وجود داده‌های کافی در این زمینه، انکار حقیقت رواج کودک‌همسری در ایران، برای برخی مقامات رسمی و حتی مردم آسان شده است. این مطالعه تلاش کرده است تا با کشف و نمایش برخی داده‌های پنهان از وجود این مسئله در ایران، به بررسی موضوع کودک‌همسری بپردازد. این تحقیق اولین و تنها مطالعه جامع انجام شده در زمینه^۲ کودک‌همسری در ایران است که تعداد زیاد ازدواج‌های ثبت نشده در سنین پایین را به معرض نمایش می‌گذارد.

هدف از این تحقیق، ارائه برخی شواهد تجربی موجود از طریق ابزار پرسشنامه‌های خانگی است که این پرسش نامه‌ها به منظور برآورد میزان شیوع کودک‌همسری و شناسایی و درک عوامل مرتبط با کودک‌همسری در ایران توزیع شد.

روش تحقیق

روش کیفی در مقیاس وسیع به عنوان روش انجام این تحقیق انتخاب شد. از آنجا که هیچ نوع تحقیق دیگری در این زمینه برای ارجاع به آن در دسترس محقق نبود، و یا روش تحقیق شناخته شده‌ای که قبلاً در ایران برای بررسی این مسئله به کار رفته باشد

وجود نداشت، انتخاب یک روش تحقیق سازگار با موضوع دشوار به نظر می‌آمد. این امر به وضوح به ضرورت انجام یک مطالعه تطبیقی در استان‌های مختلف کشور ایران با میزان شیوع بالای کودک‌همسری اشاره دارد که به شناخت شباهت‌ها و تفاوت‌ها در عوامل منجر به کودک‌همسری کمک می‌کند. اصالت تحقیق و تازگی مقیاس و هدف تحقیق؛ مراحل و اشکال هر روش را تعیین می‌کند.

با توجه به این واقعیت که تحقیقات چندانی درباره موضوع کودک‌همسری در ایران انجام نشده است، انجام این کار امری بسیار چالش برانگیز بود و لازم بود که روش تحقیق انتخابی از پویایی کافی برخوردار باشد. تصمیمات اتخاذ شده و مرتبط با روش تحقیق، با توجه به تغییرات مختلفی که این پژوهش در هر مرحله با آن روبرو بود، از انعطاف پذیری بالایی برخوردار بود. حجم جمعیت، حجم نمونه، روش نمونه گیری، تعداد مصاحبه‌ها در هر منطقه و حتی زمان سپری شده در یک استان خاص، بازتابی از درصد شیوع کودک‌همسری در ایران بود. با توجه به همه تغییرات و تفاوت‌ها، روش تحقیق به کار رفته در این تحقیق، برای رسیدن به آنچه در این مرحله مهم ضرورت داشت اتخاذ شد. شایان ذکر است که تصمیمات مرتبط با روش تحقیق، منحصر به فرد بوده و متناسب با این نوع تحقیقات حساس به جنسیت، و بر اساس ویژگی‌های منحصر به فرد مناطق مورد بررسی اتخاذ گردید. البته این تصمیمات ممکن است در زمینه‌های دیگر قابلیت اجرایی نداشته باشد.

برای آشنایی بیشتر با مناطق مورد بررسی، با استفاده از داده‌های سازمان ملی ثبت و احوال، مناطق انتخاب شده^۱ مورد نظر برای انجام تحقیق محدود شدند. بنابراین، برای نیل به این هدف، هفت استان ایران با بالاترین نرخ ثبت کودک‌همسری انتخاب شد. استان‌ها انتخابی بنا بر بررسی داده‌های موجود در دهه اخیر پیرامون موارد ثبت شده ازدواج انتخاب شدند. پس این شهرها بر اساس اطلاعات جمعیت شناختی و محاسبه شده در دهه اخیر انتخاب شدند. لازم به ذکر است که در این فهرست، ترتیب رتبه بندی‌ها، با ترتیب فهرست‌های منتشر شده از سوی دولت یکسان نیست، زیرا ترتیب رتبه بندی در این تحقیق، بر اساس انتخاب استانها با بالاترین رتبه‌های شیوع کودک‌همسری در آنها صورت گرفت. بر این اساس، هفت استان انتخابی به شرح زیر است: ۱. خراسان رضوی، ۲. آذربایجان شرقی، ۳. خوزستان، ۴. سیستان و بلوچستان، ۵. آذربایجان غربی، ۶. هرمزگان و ۷. اصفهان.

جدول ۳-۱. رتبه بندی ازدواج در سال ۲۰۱۴ بر اساس گروه‌های سنی و جنسیت افراد

ازدواج دختران	ازدواج پسران	مجموع
تا ده سال	۱۰-۱۴ سال	۱۵-۱۹ سال
۳۳	۷۶۲۹	۲۴۳۶۲
سیستان و بلوچستان	خراسان رضوی	خراسان رضوی
۳۱	۴۲۴۴	۱۵۳۵۶
زنجان	خوزستان	آذربایجان شرقی
۱۱	۲۲۵۶	۱۲۵۶۶
کهگیلویه بویراحمد	همدان	فارس
۱۰	۱۸۹۳	۱۱۴۷۵
کرمانشاه	سیستان و بلوچستان	آذربایجان غربی
۹	۱۸۴۱	۱۱۲۷۷
فارس	فارس	سیستان و بلوچستان
۸	۱۸۲۹	۱۰۲۹۶
---	آذربایجان غربی	اصفهان
	۱۶۰۴	۱۰۱۴۷

زمینه و شاخص‌های مربوط به کودک‌همسری در سه گروه سنی طبقه بندی شد: (۱) سن کمتر از ۱۰ سال، (۲) سن بین ۱۰ تا ۱۴ سال، و (۳) سن ۱۵ تا ۱۹ سال. اگرچه هفت فهرست رتبه بندی شده از رویدادهای ازدواج (طبقه بندی شده بر اساس گروه‌های سنی، جنسیت و تعداد کل هر یک از آنها) مربوط به ده سال گذشته بود، اما گستردگی حوزه‌های برنامه، محدودیت‌های زمانی و محدودیت بودجه، استفاده از نمونه گیری خوشه‌ای را ضروری می‌ساخت. با استفاده از نمونه گیری خوشه‌ای، چندین شهر واقع در شمال، جنوب، شرق و غرب ایران به عنوان اولین خوشه انتخاب شدند. بر این اساس، برخی از روستاهای هر شهر به عنوان خوشه بعدی انتخاب شدند.

تعداد مصاحبه‌های هر استان، بر اساس رتبه آن در آخرین جدول رتبه بندی بود. بر این اساس، همه مناطق برنامه، به تعداد زیادی مصاحبه نیاز داشتند.

اگرچه پرسشنامه مورد استفاده در این مصاحبه‌ها براساس یک نسخه محلی از «پرسشنامه بررسی جمعیت و سلامت (DHS)»^۱ صورت گرفت، اما بخش عمده‌ای از این پرسش نامه محقق-ساخت بود. در این مطالعه، از داده‌های نظرسنجی خانوار برای ارزیابی سطح کودک‌همسری در کشور، و تجزیه و تحلیل بیشتر نحوه ارتباط کودک‌همسری با شاخص‌های دیگر پرسشنامه‌ی بررسی جمعیت و سلامت استفاده شد. پرسش نامه DHS در سطح ملی و کشوری و به منظور سنجش وضعیت سلامت و تغذیه زنان و کودکان در کشورهای در حال توسعه طراحی شده است.

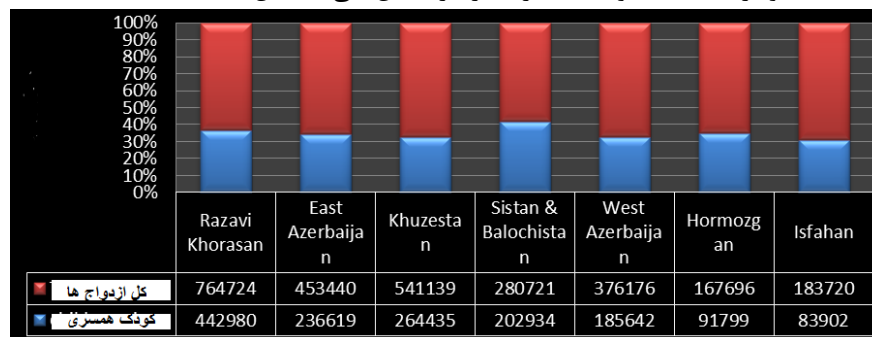
برای بکارگیری پرسشنامه‌های استاندارد DHS در این مطالعه، ایجاد برخی تغییرات و اصلاحات در ترجمه سؤالات به زبانهای محلی و بیان کاربرپسند سؤالات، ضرورت داشت. بر اساس تفاوتها و تغییرات فرهنگی خاص در هر منطقه، ایجاد تغییر در طرح برخی مسائل لازم بود. سؤالات ساختاری و همچنین مشاهدات، از طریق مصاحبه مطرح شده و این سؤالات به مقولاتی همچون: پیش زمینه و سابقه، ازدواج، تصمیم به ازدواج، تولید مثل زن، تولید مثل مرد، نگرش جنسیتی، خشونت جنسی زن و خشونت خانگی مرد دسته بندی شدند. این پرسشنامه روی شیوع و علل کودک‌همسری در مناطق مورد بررسی متمرکز بود. از این پرسشنامه فقط در مصاحبه با افراد محلی استفاده شد. در این تحقیق دیدگاه‌های افراد دیگر مانند مقامات، شخصیت‌های دولتی و رهبران مذهبی و اجتماعی نیز طی انجام برخی مصاحبه‌ها به دست آمد، و البته در هر گروه مورد بررسی، سؤالات به نحوی دستخوش برخی تغییرات شد. این روش از نظر ساختاری متفاوت است.

نتایج تحقیق

این تحقیق نشان می‌دهد که نوع خانواده (ویا ساختار خانواده)، که با جنسیت افراد در ارتباط است، به طور چشمگیری بر احتمال وجود فقر در این خانواده‌ها تأثیرگذار است. یافته‌های ما تأیید می‌کند که خانوارهای تک والدین-که در اکثریت آنها و در همه استان‌های مورد بررسی، زنان سرپرست خانوارند، با بیشترین خطر فقر روبرو هستند. دخترانی که در سنین پائین ازدواج می‌کنند، به تدریج در جامعه محو شده و به چشم نمی‌آیند. این مسئله به نوعی هم نقض حقوق بشر بوده و هم چرخه فقر را تداوم می‌بخشد. در این تحقیق، سه متغیر مورد بررسی قرار گرفته و از طریق نظریه داده بنیاد، به بررسی کودک‌همسری به عنوان پایه‌ای برای فقر جنسیتی می‌پردازد. متغیر اول با محاسبه نسبت کل ازدواج‌ها در مقابل کودک‌همسری، میزان کودک‌همسری در استان‌های مورد بررسی را برجسته می‌سازد. تصویر حاصل به ما نشان داد که نسبت کودک‌همسری در استانهای خراسان رضوی و خوزستان بسیار زیاد است. در مجموع نسبت کودک‌همسری در هفت استان در طول ده سال، ۵۴ درصد محاسبه شد.

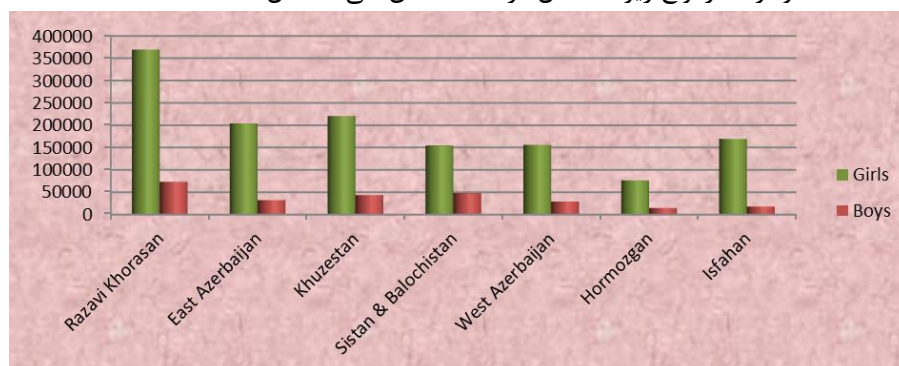
¹ Demographic and Health Survey (DHS)

نمودار ۱. نسبت کودک‌همسری در هر استان طی ده سال (۲۰۰۵-۲۰۱۴)

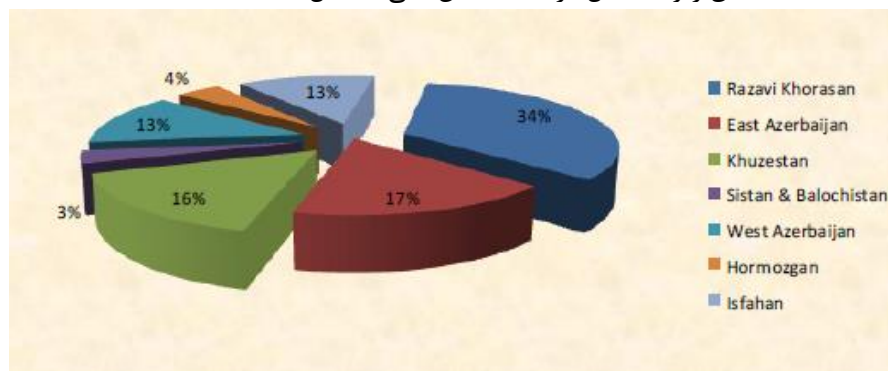


نمودار ۱، شیوع کودک‌همسری را در ۱۰ سال گذشته در هفت استان منتخب ایران نشان می‌دهد. طبق این نمودار، کودک‌همسری هنوز به میزان زیاد وجود دارد. با این حال، درصد کودک‌همسری در دختران بطور هشداردهنده‌ای بیشتر از پسران است. همانطور که در نمودار ۲ نشان داده شده است، تجزیه و تحلیل مقایسه‌ای تعداد دختران و پسران ازدواج کرده زیر سن ازدواج نشان می‌دهد که کودک‌همسری در بین دختران جوان زیر ۱۸ سال، خیلی بیشتر از این نوع ازدواج بین پسران رواج دارد. در کنار میزان بالای کودک‌همسری، در این ازدواج‌ها نسبت طلاق در مقایسه با دهه قبل افزایش داشته است. همانطور که در این نمودار مشاهده می‌شود، نرخ‌ها بر اساس جنسیت افراد متفاوت است، این بدان معناست که این ازدواج در بین دختران نسبت به پسران شایعتر است.

نمودار ۲. ازدواج زیر ۱۸ سال در هفت استان طی ده سال (۲۰۰۵-۲۰۱۴)



طلاق زیر ۱۸ سال در هفت استان، طی ده سال (۲۰۰۵-۲۰۱۴)



بر خلاف سن ازدواج، سن طلاق نیز بیشتر کودکان ازدواج کرده را هدف قرار می‌دهد. سالانه بر تعداد کودکان زیر ۱۸ سال که یا طلاق گرفته‌اند و یا بیوه شده‌اند افزوده می‌شود. یکبار دیگر، این مسئله زنان را بیشتر از مردان هدف قرار می‌دهد، بدین معنی که دختران مطلقه یا بیوه زیر ۱۸ سال اغلب آسیب پذیرتر از پسران بیوه هستند. طبق نمودار زیر، سالانه آمار طلاق در هر دو جنس افزایش می‌یابد، اما این میزان در دختران زیر ۱۸ سال در مقایسه با پسران بیشتر است. به عبارت دیگر، هر سال بر تعداد کودکان مطلقه یا بیوه افزوده می‌شود، به ویژه هنگامی که یک دختر بسیار جوان با یک مرد مسن ازدواج کند. به دلیل داغ ننگ ناشی از طلاق و موقعیت زنان در اجتماع، ازدواج‌های شکست خورده باعث شده است که بسیاری از این دختران به تنهایی زندگی کرده و فرزندان خود را بدون پشتیبان بزرگ کنند.

تجزیه و تحلیل دقیق هر دو نمودار نشان می‌دهد که کودک‌همسری تأثیر چشمگیری بر زندگی دختران دارد تا پسران. اگرچه گاهی اوقات پسران در معرض کودک‌همسری قرار می‌گیرند، اما ازدواج دختران خردسال اغلب تأثیر منفی زیادی بر زندگی آنها دارد، و اکثریت قریب به اتفاق قربانیان کودک‌همسری، دختران هستند. در دختران، تأثیرات کودک‌همسری چیزی ورای از دست دادن دوره نوجوانی آنهاست. جنبه‌های زیادی از زندگی این دختران تحت کنترل مردان مسن قرار می‌گیرد و نگاه آنها به این دختران چیزی کمتر از نگاه افراد به خدمتکاران جنسی و خانگی نیست. هرچه تفاوت سنی بین این زن و شوهر بیشتر باشد، دختران بیشتر از قدرت محروم می‌شوند و در معرض خشونت، سوء استفاده یا استثمار قرار می‌گیرند. گاهی اوقات مشکلات این دختران تنها پس از بازگشت به خانه پدری‌شان با نوزادی در آغوش شروع می‌شود، چرا که شوهرانشان اغلب آنها در خانه پدری‌شان رها می‌کنند.

نیروهای محرک اصلی کودک‌همسری، مفاهیم مردسالارانه و تمایل به تسلیم زنان به منظور کنترل جنسیت آنهاست. موضوع پیچیده کودک‌همسری، ریشه در نابرابری جنسیتی داشته و بر این باور که دختران و زنان به نوعی از پسران و مردان پست‌ترند دامن می‌زند.

فقر، فقدان آموزش، آموزه‌های فرهنگی و ناامنی و عدم ارزش قائل شدن برای دختران به اندازه پسران، مسئله کودک‌همسری را ادامه خواهد داد. در این جوامع، از دختران به عنوان باری بر دوش خانواده نام برده می‌شود و ازدواج با یک دختر جوان در سنین پایین می‌تواند با انتقال این بار بر دوش خانواده شوهر، به کاهش مشکلات اقتصادی خانواده پدری وی کمک کند. همچنین، کودک‌همسری بر اساس ارزشهای مردسالارانه و تمایل به کنترل جنسیت زنان صورت می‌گیرد، به عنوان مثال، یک دختر چگونه باید رفتار کند، چگونه باید لباس بپوشد، با چه کسانی ملاقات کند، کی ازدواج کند و غیره.

همچنین، به دلیل وجود عوامل متعدد، مانند رشد مسائل اجتماعی مربوط به دختران، میزان طلاق در دختران جوان در مقایسه با پسران افزایش یافته است. در برخی استان‌ها، تعدادی از این ازدواج‌ها خیلی زود به پایان می‌رسد. دخترانی که در سن پایین ازدواج می‌کنند بیشتر در معرض طلاق در سنین پایین هستند. عروسان خردسال اغلب ناتوان بوده و به شدت به شوهران خود وابسته هستند. هر سال بر آمار طلاق در این افراد افزوده می‌شود و این دختران مطلقه با مشکلات اجتماعی بیشتری روبرو شده که خود به تنهایی قادر به حل آن نیستند. مسئولیت سنگین بار زندگی، مادر بودن و اکنون انگ مطلقه یا بیوه را کشیدن بر دوش یک دختر جوان، موضوعی فاجعه بار است.

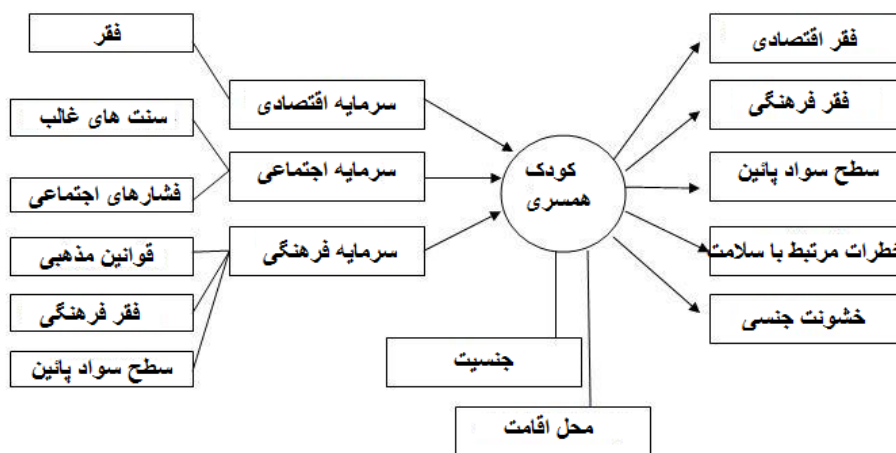
چنانچه همسران این دختران از دنیا بروند، یا آنها را ترک کنند یا طلاق بدهند، این دختران بیشتر در معرض فقر مداوم قرار می‌گیرند. با توجه به اینکه دختران درگیر در کودک‌همسری، اغلب به طور قابل توجهی جوانتر از شوهران خود هستند، آنها در اوایل زندگی بیوه می‌شوند و ممکن است نسبت به زنانی که دیرتر ازدواج می‌کنند، بخش عمده‌ای از زندگی خود را با چالش‌های اقتصادی و اجتماعی مواجه باشند. با افزایش جمعیت جوان در کشورهای در حال توسعه، این مشکل تهدید بزرگی برای جوانان به شمار می‌آید. علاوه بر این، از آنجا که کودک‌همسری یک قرارداد الزام آور بین خانواده‌ها تلقی می‌شود، شکست این ازدواج یا طلاق می‌تواند عواقب جدی هم برای خانواده و هم برای دختر داشته باشد. حتی آن رسته از دخترانی که می‌توانند از همسر متجاوز خود

جدا شوند، بازهم آسیب پذیرند، زیرا آنها از قدرت کمی برای ادامه تحصیل و دریافت حمایت مالی برخوردارند. بیوه‌گی یکی از مسائل جنسیتی و مسائل مربوط به حقوق بشر در کودک‌همسری است که همواره نادیده گرفته شده است. این دختران جوان بیوه شده که مدت‌هاست در بسیاری از کشورها به چشم نمی‌آیند، بیش‌ترین آسیب‌ها را تحمل می‌کنند.

این مسائل اغلب در مناطق روستایی حادث‌تر است، چرا که در روستا، سنت‌ها، آداب و رسوم و تفسیرهای تبعیض آمیز از قوانین مذهبی اغلب نسبت به شهر غالب است و در آنجا فقدان آشکار قوانین عصر ازدواج مدرن همواره مشاهده می‌شود. پیامدهای بیوه‌گی عبارتند از، محرومیت اجتماعی، وابستگی اقتصادی، حاشیه نشینی، تبعیض قانونی، عدم حساسیت سیاسی و نقض حقوق بشر. همه این پیامدها با این واقعیت تشدید می‌شود که بیوه‌های خردسال بسیار آسیب پذیرند. فرزند زن بیوه، میراث کودک‌همسری است. تجزیه و تحلیل نسبت کودک‌همسری در دهه‌های گذشته نشان می‌دهد که سهمیه کودک‌همسری در کل فراوانی‌های ازدواج، همیشه بیش از ۳۵ درصد بوده است. این میزان بالای کودک‌همسری، بازتاب هنجارهای فرهنگی است که در سیستم اجتماعی شکوفا می‌شود و با عمل کودک‌همسری ادامه می‌یابد.

بحث

یافته‌های تحقیق و نتایج مصاحبه‌ها را می‌توان به طور خلاصه در مدل تحلیلی زیر خلاصه کرد و این مدل رابطه بین متغیرهای مستقل و متعدد که باعث ایجاد کودک‌همسری می‌شود را به تصویر می‌کشد. پیامد کودک‌همسری، به عنوان یک متغیر مستقل جدید که متغیرهای وابسته را شکل می‌دهد، در سمت راست مدل قرار دارد. جنسیت و منطقه زندگی (مناطق شهری یا روستایی) به عنوان متغیرهای کنترل در نظر گرفته می‌شوند.



نمودار ۴. مدل تحلیلی مطالعه

نگاهی دقیق‌تر به این مدل، یک نمای کلی برجسته از چگونگی تبدیل فقر به یک متغیر برجسته و علت و پیامد اصلی کودک‌همسری را به ما ارائه می‌دهد. فقر و کودک‌همسری ارتباط تنگاتنگی با یکدیگر دارند. کودک‌همسری هم پیامد و هم محرک فقر است. این معضل از امکان تحصیل، اشتغال و سایر پیشرفتهای اقتصادی افراد جلوگیری می‌کند، و دختران را در معرض آسیب‌های متعدد قرار می‌دهد.

فقر و عدم توانایی پرداخت شهریه تحصیل از دلایل اصلی ترک تحصیل و کودک‌همسری در استان هرمزگان بود. در آذربایجان شرقی، دور بودن مدارس نیز یکی از عوامل مؤثر در ترک تحصیل پاسخ دهندگان نامیده می‌شد. جزئیات دلایل ترک تحصیل در

قالب یک مثال ارائه شد. بنابراین، کودک‌همسری با ترک تحصیل دختران، فشار آوردن آنها برای بارداری‌های زودرس و مکرر و محدود کردن فرصت‌های شغلی، چرخه فقر را تداوم می‌بخشد.

توقف امتیازات دوران کودکی، ترک تحصیل را نیز شامل می‌شود. کودک‌همسری و ترک تحصیل دو رویداد دوگانه‌اند که نشان از خارج شدن از زندگی دخترانه است. یافته‌های تحقیق در این زمینه بسیار گسترده بود. کودک‌همسری در موازات یک حادثه مرتبط، یعنی ترک تحصیل قرار داشت. در یک خانواده فقیر، ارزش تحصیل برای دختران، به طور مستقیم با چشم انداز بهبود اشتغال و استفاده از فرصت‌ها ارتباط دارد. سطح پایین تحصیلات، استقلال اقتصادی دختران را محدود و در نتیجه آسیب پذیری آنها را افزایش می‌دهد.

آرزوهای تحصیلی و شغلی یک دخترچه خردسال ممکن است به دلیل نقش‌های جنسیتی از پیش تعیین شده او در جامعه‌ای که زن را محدود به دیوارهای خانه می‌سازد، خفه شوند.

در چنین مواردی، سرمایه گذاری روی آموزش دختران، با اقتصاد خانواده‌های فقیر در تضاد است. بنابراین، خانواده دختر ترجیح می‌دهند که منابع مالی اندک خود را صرف پرداخت هزینه‌های عروسی و تهیه جهیزیه برای دختر خود کنند، نه برای بالا بردن تحصیلات او.

نتیجه گیری و توصیه‌ها

بررسی یافته‌های این تحقیق، ادبیات تحقیق و تجزیه و تحلیل تجربیات ما از نتایج بحث جنسیتی کودک‌همسری، مستقیماً افزایش فقر جنسیتی در جامعه را روشن می‌سازد. یافته‌های ما نشان می‌دهد که چگونه کودک‌همسری، با نهادهای مختلف اجتماعی در ارتباط است تا خطر فقر زنان به صورت مطلق و همچنین در مقایسه با مردان را به تصویر بکشد. اگرچه رابطه بین جنسیت و فقر امری پیچیده است، اما در این رابطه، وجود چند عنصر مشهود است.

موقعیت غالب کودک‌همسری در زنجیره نابرابری جنسیتی، همچنان در پس زمینه فقر، انتظارات اجتماعی، خشونت جنسی، هنجارهای جنسی فرهنگی، کلیشه‌های جنسیتی، فشار اجتماعی و مشکلات خانواده شکوفا می‌شود. این امر مستلزم یافتن سیاست‌ها و راه حل‌های جدید و پذیرش هنجارهایی است که بتواند برابری جنسیتی را به ارمغان آورد.

کودک‌همسری با قرار دادن کودکان در نقش افراد بزرگسال، مانند اقدام برای بارداری‌های متعدد، محدودیت دسترسی به فرصت‌های تحصیلی و درآمدزایی، محرومیت اجتماعی اجباری، بیوه شدن زود هنگام و رها شدن و به دام انداختن بازماندگان در چرخه نسلی نقش‌های قدیمی، زندگی نسل حاضر و نسل آینده را تحت تأثیر قرار می‌دهد. قوانین سرکوب حاد جنسیتی، به فرایند تفکر جمعی نفوذ کرده و به نسل بعدی منتقل می‌شود.

ظاهراً کودک‌همسری، صرف نظر از موقعیت جغرافیایی و فرهنگی آن، با شرایطی که به طور معمول مشخصه توسعه ضعیف است در ارتباط باشد، این شرایط عبارتند از سکونت روستایی، تحصیلات پایین یا بدون تحصیلات و فقر و اغلب منجر به ایجاد تفاوت‌های بارز در شیوع کودک‌همسری می‌گردد. این امر به نوبه خود بر تلاش برای از بین بردن فقر شدید (هدف اول) تأثیر می‌گذارد، زیرا عروس‌های خردسال، فرصت‌های آموزشی و اقتصادی مورد نیاز برای نجات خود و خانواده خود از فقر را از دست می‌دهند. فقر، هم تعیین کننده اصلی و هم مظهر کودک‌همسری است و در کشورهای بنگلادش، مالی، موزامبیک و نیجر شاهد آن هستیم. در این کشورها، بیش از نیمی از دختران، قبل از سن ۱۸ سالگی ازدواج می‌کنند و همچنین، بیش از ۷۵ درصد مردم با کمتر از ۲ دلار در روز زندگی می‌کنند. کشور مالی نمونه‌ای از ادامه حیات تحت شرایط اقتصادی وخیم است.

واکنش‌ها به مسئله کودک‌همسری، با توجه به عوامل جغرافیایی و فرهنگی متفاوت است. آنچه که در برخی از استان‌های کشور برای نظارت بر این مسئله ممکن است مؤثر باشد، در استان دیگر می‌تواند مسئله را تشدید کند و آنچه در یک ملیت یا فرهنگ قابل قبول تلقی می‌شود، ممکن است در فرهنگ کشورهای دیگر صادق نباشد. به عنوان مثال، ابزار کاربردی برای انتقال پیامهای پیشگیری از کودک‌همسری، با توجه به نوع منطقه اغلب متفاوتند. در یک سیاست همه جانبه، جامع و هماهنگ لازم است که

ویژگی‌های هر فرهنگ به طور کامل مد نظر قرار گیرد، زیرا اتخاذ یک رویکرد به یک میزان برای همگان میسر نیست و این امر مستلزم سازگاری و انعطاف پذیری بیشتر است. در هنگام تصویب یک برنامه اصلی به منظور ریشه کن سازی معضل کودک‌همسری، سیاست‌ها اتخاذ شده باید منطبق با تفاوت‌ها و تنوع‌ها باشد.

برای مقابله با ازدواجهای زودهنگام یا کودک‌همسری در ایران، کارهای زیادی لازم است که انجام شود. بر اساس یافته‌های حاصل از تجزیه و تحلیل داده‌های ورودی شرکت کنندگان در این تحقیق، توصیه‌هایی برای مقابله با این معضل ارائه شده است. بسیاری از این توصیه‌ها و برنامه‌های ارائه شده، جریان پیشگیری از کودک‌همسری را تقویت کرده و تأکید می‌کند که برای مقابله با مشکل کودک‌همسری، اتخاذ رویکردهای چند جانبه و جامع مورد نیاز است.

پیچیدگی معضل کودک‌همسری، ضرورت اتخاذ اقدامات قانونی، سیاستی و برنامه‌ای مؤثر، با هماهنگی تلاش‌ها در سطح بین المللی، ملی و محلی را پررنگ می‌سازد. برای رسیدگی و نظارت بر کودک‌همسری اقدامات زیادی باید انجام شود و البته برای نیل به این هدف، در درجه اول همگان باید نقشی ایفا کنند. این بدان معناست که باید مداخلات طولانی مدت و پایداری وجود داشته باشد که ضمن ایجاد هماهنگی و برخورداری از منابع خوب، در جهت توانمندسازی دختران گام بردارد و با بسیج خانواده‌ها و جوامع، دسترسی به خدمات و تدوین و اجرای قوانین و سیاست‌ها را برای تحقق اهداف خود در پیش گیرد.

- ثبت رسمی همه تولدها و ازدواج‌ها، به منظور جلوگیری از انکار کودک‌همسری ضروری است. در نتیجه وجود محدودیت یا عدم وجود سوابق رسمی معتبر در مورد تولد افراد، به طور قطع، تعیین سن عروس امری دشوار است. برآورد والدین درباره سن فرزند خود ممکن است نادرست، غلط و یا صرفاً دروغ باشد. ثبت احوال، یک گام مهم برای مقابله با معضل کودک‌همسری است، چرا که سندی برای سن حقیقی دختران ارائه می‌دهد. ثبت صحیح ازدواج تنها زمانی امکان پذیر است که تولد فرد به موقع و بصورت دقیق ثبت شده باشد. ثبت تولد، یکی از حقوق اساسی بشر است که بهره مندی انسان از سایر حقوق خود را ممکن می‌سازد. در کشورهایی که ثبت تولد افراد اجباری نیست یا به صورت ناسازگار اجرا می‌شود، ثبت ازدواج نیز ممکن است با استفاده از برخی گواهی‌های نامعتبر یا غیرقابل اعتماد تولد صورت گیرد. بر اساس گزارش یونیسف، به دلیل وجود شکافهای موجود در ثبت تولد، تقلب در سن و هویت کودکان، به ویژه دختران، در یک جامعه، کودک‌همسری رواج پیدا می‌کند. هنگامی که تولد یک دختر به درستی ثبت شود، این ثبت از مزایای بسیاری برخوردار است که عبارتند از: حفظ هویت دختر متولد شده، بالا بردن ظرفیت وی برای دسترسی به خدمات اولیه و افزایش حقوق حمایتی او. ثبت تولد و ازدواج ضمن اثبات سن حقیقی دختر و همسر او، به جلوگیری از کودک‌همسری کمک می‌کند و به دختران و زنان این امکان را می‌دهد که در صورت داشتن یک ازدواج ناموفق، درخواست جبران خسارت مالی و قانونی کنند.

- در ریشه کن سازی این مسئله، نقش دولت بسیار محوری است. بنابراین، نقش دولت، به عنوان خاستگاه پایگاه قدرت هر کشور، می‌تواند در پیشگیری از کودک‌همسری بسیار مهم باشد. به دلیل غالب بودن هنجارهای اجتماعی و فرهنگی بر هنجارهای قانونی، و به منظور اطمینان از اجرای صحیح قانون، نیاز به یک تعهد دولتی آشکار محسوس است. دولت‌ها باید ضمن اهمیت قائل شدن برای مسئله کودک‌همسری و در نظر گرفتن منابع مالی مناسب و ارائه آن به وزارتخانه‌های دولت، و به واسطه اتخاذ یک رهبری سیاسی قوی و رسیدگی همه جانبه به این معضل، با کودک‌همسری مبارزه کنند. دولت می‌تواند از طریق هماهنگ سازی بیشتر سیاست‌های سازمان‌ها، بودجه‌ای برای مطالعات مربوط به کودک‌همسری و سایر پروژه‌های تحقیقاتی مرتبط در نظر گرفته و بدین ترتیب، پیام مربوط به کودک‌همسری را به مردم ابلاغ کنند. این امر برای حصول اطمینان از چارچوب‌های قانونی و بدون تبعیض، اجرای دقیق قوانین و سیاست‌ها، ارائه خدمات آموزشی و حمایتی مؤثر، مراقبت‌های بهداشتی جنسی باروری و داروهای قانونی، برای دختران متأهل و مجرد ضروری است.

- شواهد گسترده نشان می‌دهد که نگه داشتن یک دختر در مدرسه و ادامه تحصیل دختران یک مسئله بسیار مهم است. با مطرح ساختن موضوع کودک‌همسری در مدارس دخترانه و آموزش دیدن دختران، کودک‌همسری و ازدواج دختران به تأخیر می

افتند. بر اساس تحقیقات مرکز بین المللی تحقیقات زنان، در ۱۸ کشور از ۲۰ کشور دارای بیشترین میزان شیوع کودک‌همسری، سطح تحصیلات دختران قوی‌ترین عامل پیش بینی کننده سن ازدواج است. از طرفی، در همین مناطق، دختران با سطح تحصیلات عالی، کمتر در دوران کودکی ازدواج می‌کنند.

- آموزش عموم مردم در مورد کودک‌همسری و افزایش سواد عمومی در این زمینه یک امر ضروری است. بر اساس یافته‌های این مطالعه، پاسخ دهندگان این تحقیق در جهالت آشکار و یا آگاهی اندک و یا حتی عدم برخورداری از اطلاعات لازم در مورد آثار مخرب و کلی کودک‌همسری قرار داشتند. کودک‌همسری هم به علت بی سواد و هم در نتیجه تأثیر آن بر افراد شکل می‌گیرد. هر اقدامی برای مقابله با کودک‌همسری، باید ضرورت انتشار پیامدهای منفی برای عموم مردم را در بر گیرد. این امر زمانی ممکن است که قدرت فناوری با استفاده از کمپین رسانه‌های جمعی و سایر روش‌های ابتکاری مانند رادیو، تلویزیون، تلفن‌های همراه و رسانه‌های دیجیتال برای افزایش آگاهی از حقوق دختران و تأثیر کودک‌همسری مطرح شود. بدون برخورداری از این عامل مهم، پیشرفت یک نیروی بیرونی غیر واقعی بوده و دائمی نیست.

- قانون تعیین سن برای تحصیل اجباری باید به تدریج با حداقل سن ازدواج مطابقت داشته باشد. تغییر قوانین مربوط به سن قانونی ازدواج در ایران، که در حال حاضر برای دختران ۱۳ سال (و سن تکان دهنده ۹ سال با اجازه دادگاه) و برای پسران ۱۵ سال است، سن ازدواج را افزایش داده است. توجه به این نکته ضروری است که اگرچه بسیاری از کشورها، حداقل یک سن قانونی مشخص برای ازدواج تعیین کرده‌اند، سن ازدواج در مردان بیشتر از زنان است و همچنین در بسیاری از کشورها، سن قانونی ازدواج، کمتر از سن تعیین شده برای ازدواج در کنوانسیون حقوق کودک سازمان ملل است.

- در بسیاری از جوامع، روش کودک‌همسری به دلیل عدم آگاهی از معایب و پیامدهای منفی این عمل رواج یافته است. بنابراین، با ارائه دانش و آموزش درباره تأثیرات منفی جسمی، روانی و اجتماعی کودک‌همسری، می‌توان جامعه را برای مبارزه با این معضل اجتماعی بسیج کرد. مشارکت جامعه در مبارزه با کودک‌همسری باید تقویت شود. بنابراین، برای ارتقاء توانمندسازی کودکان، به ویژه دختران، طراحی و اجرای یک برنامه جامع حمایتی به عنوان یک هنجار اجتماعی ضرورت دارد.

- کار با مردان و پسران، بخش مهمی از پایان دادن به معضل کودک‌همسری را تشکیل می‌دهد. در بسیاری از جوامع، این مردان هستند که قدرت مطلق را در دست دارند و درباره مسائل تصمیم‌گیری می‌کنند. مداخلات و آموزش‌های مربوط به پدران، برادران، شوهران امروز و شوهران آینده، تأمل درباره وضعیت موجود بر اساس جنسیت افراد، به مردان و پسران کمک می‌کند. همچنین، لازم است که مزایای جامعه‌ای که در آن دختران و زنان از ارزش بالایی برخوردارند و در آن جامعه مردان برای تحقق توانایی‌های زنان از آنها حمایت کنند، برای مردان روشن شود.

- برنامه‌های اجتماعی برای خانواده‌ها باید با کمک‌های مالی به افرادی که کودک‌همسری داشته‌اند همراه باشد، از جمله به ایجاد مراکز کمک به قربانیان، ایجاد سرپناه و در نظر گرفتن دیگر مکان‌های امن برای دختران می‌توان اشاره کرد. علاوه بر این، ایجاد ظرفیتها و آموزش‌های لازم برای رهبران جامعه و دیگر عوامل کلیدی پیرامون تأثیرات منفی کودک‌همسری، به کسب اطمینان بیشتر از سرکوب این سنت نادرست کمک می‌کند.

- با مشارکت همه بازیگران اصلی در جامعه مدنی، فعالان انجمن‌ها و بازیگران دولتی، نیاز به اتخاذ یک رویکرد جامع و چند جانبه محسوس است، تا ضمن بررسی عوامل محدود کننده توسعه زنان و بر اساس آن با اتخاذ یک رویکردی یکپارچه برای اجرای مداخلات در سطح جامعه و تقویت سیاست‌های ملی، به این معضل واکنش نشان داده شود.

- رهبران مذهبی عوامل اصلی ایجاد تغییر در جامعه‌اند. بنابراین ضروری است که رهبران مذهبی در مورد آثار سوء کودک‌همسری آموزش ببینند. با توجه به نفوذ دین در جامعه ایران، پرداختن به این موضوع از طریق اجرای قوانین شرع می‌تواند یک استراتژی مؤثر باشد. برای آموزش و مشورت با رهبران مذهبی، لازم است که یک روش جامع اندیشیده شود تا پیام پیشگیری

از این مسئله برای عموم منتشر شود. در جوامعی که رهبران مذهبی نقش برجسته‌ای در تصمیم‌گیری یا تأثیرگذاری بر هنجارهای رایج جامعه ایفا می‌کنند، ضروری است که حمایت آنها را به عنوان حامیان مثبت تغییر در نظر بگیریم.

- شیوه سنتی و رایج ازدواج موقت، بر شدت کودک‌همسری در ایران می‌افزاید. اغلب پس از خارج شدن دختران جوان از خانه و خانواده برای اولین بار، به بهانه ازدواج، می‌توان آنها را برای تجارت جنسی فروخت، و یا همزمان آنها را به چند شوهر فروخت، مانند مورد ازدواج‌های جعلی یا موقت کودکان. مردان نیز ممکن است به ازدواج‌های سریالی روی آورند، یعنی برای مدتی محدود با دختری ازدواج کنند تا برای آنها بچه‌ای بیاورد (البته در صورتی که مردان در ازدواج‌های پیشین خود صاحب فرزند پسر نشده‌اند، اغلب ترجیح می‌دهند همسر جوان، فرزند پسری برای آنها به ارمغان آورد)، و یا در فعالیت‌های اقتصادی به آنها کمک کند. در ادامه در صورتی که مردان به این دختران جوان (و یا به فرزند آنها، در صورت ناخواسته بودن) دیگر نیازی نداشته باشند، آنها را به حال خود رها می‌کنند. هنگامی که این دختران در جامعه رها می‌شوند، آنها اغلب قادر به ازدواج مجدد نیستند و مجبور به ادامه‌ی یک زندگی با تمام محرومیت‌ها می‌شوند. بنابراین کودک‌همسری به قاچاق انسان، کار رایگان، فحشا یا به طور خلاصه بردگی یک دختر به منظور استثمار بی رویه تبدیل می‌شود. این یکی از عوامل مؤثر در روند رو به افزایش کودک‌همسری در ایران است. البته پیگیری این ازدواج‌ها اغلب کار چندان آسانی نیست، چرا که این گونه ازدواج‌ها اغلب بطور رسمی ثبت نمی‌شوند. بی تردید ثبت ازدواج موقت نه تنها میزان شیوع کودک‌همسری در ایران را روشن می‌سازد، بلکه به جلوگیری از قاچاق جنسی و فحشاء کودکان نیز کمک خواهد کرد.

- توانمندسازی دختران از طریق ایجاد فرصت و آموزش مهارت به آنها برای درک و اجرایی سازی حقوق آنها و ایجاد شبکه‌های حمایتی، نقش مهمی در پایان دادن به کودک‌همسری ایفا می‌کند. همان گونه که این دختران قربانی و متعاقباً بازماندگان کودک‌همسری به شمار می‌آیند، همین دختران نیز می‌توانند خود عامل تغییر باشند. در کودک‌همسری، دختران کلید تحول اجتماعی محسوب می‌شوند. باید به دختران جوان کمک کرد تا قبل از رسیدن به ۱۸ سال، از تاب آوری لازم برای دفاع از خود در برابر تلاش‌های بزرگسالان، حتی والدین و بزرگان خوش نیت و خیرخواه، برای ازدواج آنها برخوردار گردند. یک نسل جدید مطلع، آگاه و فعال باید علاوه بر محافظت از خود، ستون فقرات ابتکاراتی را که در جامعه، کشور و در سطح بین‌المللی در حال انجام است را فراهم آورد تا به تدریج کودک‌همسری به عنوان یک سنت قدیمی ریشه کن گردد. لازم است که در آموزش مهارت‌های زندگی مورد سلامت باروری و حقوق قانونی دختران، آگاهی آنها از قوانین ازدواج و حقوق باروری دختران مانند حق عدم ازدواج تا قبل از ۱۸ سالگی و حق رضایت کامل و آزاد از ازدواج بالا رود. همچنین، به منظور بالا بردن حس اعتماد به نفس دختران و تقویت توانایی‌ها آنها در بحث پیرامون تصمیمات کلیدی زندگی، مانند ادامه تحصیل و پایان دادن به ازدواج، لازم است که فعالیت‌های دیگری برای آنها در نظر گرفته شود.

- امروز زمان آن فرا رسیده است که مقامات حقوقی ایران قوانین بین‌المللی را در سیستم یا عملکرد حقوقی خود لحاظ کنند. ایران به عنوان یکی از امضاکنندگان قراردادهای کمیته حذف تبعیض علیه زنان (CEDAW) و کمیته حقوق کودک (CRC)، دارای مسئولیت حقوقی سنگینی است و با امضای این قراردادها این کشور موظف است که تمام اقدامات قانونی، قضایی، اداری و سایر اقدامات لازم را برای اطمینان از دستیابی کامل به حقوق زنان و کودکان که بخشی جدایی ناپذیر جامعه‌اند انجام دهد.

- برای ارزیابی و کاهش کودک‌همسری و تأثیر آن، طراحی و اجرای سیاست‌ها و اقدامات برنامه‌ریزی شده ضروری است و این مهم به کمک ارائه اطلاعات مورد نیاز در پژوهش‌ها و انجام تحقیقات بیشتر صورت می‌گیرد. در حال حاضر، فقدان اطلاعات و داده‌های مرتبط پیرامون جنبه‌های کودک‌همسری در سراسر جهان و همچنین کودک‌همسری در ایران دیده می‌شود. این شکاف داده‌های پژوهشی باید فوراً پر شوند، زیرا داده‌ها بر سیاست‌ها و برنامه‌های لازم تأثیرگذار بوده و تحقیقات بعدی را در مسیر درست

هدایت کرده و زمینه‌ای برای حمایت مؤثر از افراد مرتبط فراهم می‌سازد. داده‌های جمعیت شناختی موجود ممکن است به گونه‌ای تفکیک گردد که بیشتر حول شیوع کودک‌همسری در کشور بچرخد.

- کمبود قابل ملاحظه و جدی مطالب موجود در مورد کودک‌همسری در ایران، موضوعی نگران کننده است. عدم آگاهی مردم و بی تفاوتی عمدی دولت در این زمینه کاملاً مشخص است. اگرچه نهادهای تحقیقاتی فعلی در ایران، به تجزیه و تحلیل مسائل مربوط به کودکان و مسائل جنسیتی مانند خشونت خانگی و آموزش کودک می‌پردازند، اما بررسی موضوع کودک‌همسری، تا حد زیادی نادیده انگاشته شده است. این نگرش بی تفاوتی نسبت به کودک‌همسری منجر به عدم وجود داده‌های لازم در این زمینه شده است و همین امر دانش و آگاهی افراد جامعه نسبت به این موضوع را خواه برای افراد داخل کشور و خواه برای جامعه بین‌المللی محدود کرده است. بسیاری از افراد هیچ تصویری از وجود کودک‌همسری در ایران ندارند. در نتیجه، در بسیاری از گزارش‌های جهانی در مورد کودک‌همسری، به دلیل فقدان داده‌های موجود، بدون شک به ندرت از ایران نامی برده می‌شود.
- انجام تحقیقات بیشتر در این زمینه از اهمیت به سزایی برخوردار است تا همه جهان بدانند که کودک‌همسری در ایران بسیار شایع است. این تحقیق، اقدامات دولت، قانونگذاران، نهادهای مدنی، تحلیلگران و سیاستگذاران در ایران را برای شناسایی و مبارزه با این موضوع تسهیل می‌کند. لازم است که جامعه علمی، پژوهشگران و محققان دانشگاهی مطالعات عمیق‌تری در این زمینه انجام داده و گزارشات مرتبط با توجه به اندازه کشور در مورد کودک‌همسری صورت گیرد، تا بدین نحو ماهیت و شیوع کودک‌همسری و خشونت جنسی متعاقب آن برای همگان روشن گردد.
- لازم است که دولت ایران در جهت ایجاد توره‌های ایمنی اجتماعی، کاهش سطح فقر و اثبات فرصت‌های اقتصادی برای تشویق خانواده‌ها برای پایان دادن به کودک‌همسری، اقداماتی انجام داده و برنامه‌های جامعی طراحی کند. بنابراین، در نبرد جهانی برای از بین بردن کودک‌همسری، نام ایران همواره نادیده گرفته شده است.

منابع

1. See, e.g., Casper, McLanahan, and Garfinkel 1994; Wright 1995; Pressman 1998, 2002)
2. Report of the Special Rapporteur on the situation of human rights in the Islamic Republic of Iran
3. <http://womensissues.about.com/od/violenceagainstwomen/tp/TenFactsAboutChildBrides.htm>
4. <http://womensissues.about.com/od/violenceagainstwomen/tp/TenFactsAboutChildBrides.htm>
5. Ibid.
6. Amani Campaign, Interagency child protection and gender based violence campaign, Jordan 2014 p 12, data.unhcr.org/syrianrefugees/
7. The National Organization for Civil Registration organisation is considered as a dependent part of the ministry of interior. The National Organization for Civil Registration” is active throughout the country and is the most referred to governmental organization. According to an act in June 1928 the “Birth Certificate and Statistics Administration” was established as part of the ministry of interior and began working. In 1940 according to a new law and after editing a new set of regulations, the name of this organization changed to “The Office of Statistics and Civil Registration». In July 1976 “The National Organization for Civil Registration” was formed.
8. Cluster sampling is the sampling method where different groups within a population are used as a sample.
9. <http://dhsprogram.com/>
10. For more information about DHS refer to www.measuredhs.com
11. Girls Not Brides - Official Site www.girlsnotbrides.org
12. Q & A: Child Marriage and Violations of Girls' Rights - Human Rights Watch". hrw.org.

13. International Centre for Research on Women, New Insights on Preventing Child Marriage: A global analysis of factors and programs, 2007, p 10; Child Protection and Gender-Based Violence Sub-Working Group Jordan, Findings from the InterAgency Child Protection and Gender-Based Violence Assessment in the Za'atari Refugee Camp, July 2013, p 2
14. Save the Children UK, Rights of Passage, 2003
15. Q & A: Child Marriage and Violations of Girls' Rights, supra at 24.
16. Child Marriages: 39,000 Every Day | Press centre
|...www.unicef.org/media/media_
17. www.cfr.org, peace-conflict-and-human-rights / child- marriage
18. Speech by Ruby Goddard Young Widows: A neglected Gender and Human Rights Issue
19. www.nawo.org.uk/wp-content
20. Sanlaap, "Child Marriage: West Bengal Scenario", (n.d.), p.4.
21. Population Reference Bureau (2005). 2005 World Population Data Sheet. Population Reference Bureau: Washington D.C.